مطالعات تاریخ اسلام
سال سیزدهم/ شمارهٔ ۵۰/ پاییز ۱۴۰۰، مقاله علمی- پژوهشی، صفحات ۳۵-۶۴

:20.1001.1.22286713.1400.13.50.7.4

بازشناسی هویت بنای امیر ملکشاه مشهد با استناد به متون تاریخی، ویژگی‌های معماری و شواهد باستان‌شناختی

سپیده بختیاری[۱]
داود صارمی نایینی[۲]
یدالله حیدری باباکمال[۳]
سحر بختیاری[۴]

چکیده: دورهٔ تیموری در ایران به لحاظ پیشرفت در انواع هنرهای اسلامی، به‌ویژه معماری و تزئینات وابسته به آن حائز اهمیت بسیار است. وجود بناهای متعدد از این دوره با تزئینات غنی معماری در شهر مشهد، آشکارا بر اهمیت آن در دوره مذکور گواهی می‌دهد. یکی از بناهای مهم در این زمینه بنای امیر ملکشاه است که با وجود بهره‌مندی از ارزش‌های فراوان تاریخی چندان شناخته شده نیست. در این پژوهش سعی شده است با بهره‌گیری از متون دست اول تاریخی، ویژگی‌های معماری و آرایه‌های تزئینی بنای امیر ملکشاه، هویت و کاربری آن بررسی شود. بر همین اساس، مهم‌ترین سؤال پژوهش حاضر این است که: ماهیت، کاربری و ویژگی‌های معماری بنای امیر ملکشاه با توجه به بافت تاریخی و سیاسی آن چیست؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به متون تاریخی و ویژگی‌های معماری از قبیل نقشهٔ بنا، کتیبه‌نگاری و مضامین آنها، تزئینات کاشی کاری، نقاشی، سرداب، فقدان محراب و وجود گلدسته و مناره، می‌توان کاربری دوگانهٔ مسجد- مقبره را برای آن در نظر گرفت. از طرفی بنای امیر ملکشاه از نظر ویژگی‌های گفته شده، به‌ویژه از نظر نقشه و کاربری با مسجد کبود تبریز و بسیاری از مساجد آناتولی، به‌خصوص «یشیل بورسه» قابل مقایسه است و با توجه به کتیبه‌های یافت شده در آنها، از جمله وجود خط ثلث با عبارت «عَمَل ... بن شَمس اَلدین مُحَمَّد تبریزی بَنا»، به نظر می‌رسد سازنده و طراح هر سه مسجد احتمالاً یک نفر بوده است.

واژه‌های کلیدی: امیر ملکشاه، مسجد- مقبره، آرایه‌های معماری، دورهٔ تیموری، مشهد، مساجد آناتولی

۱ دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی، گرایش دوران اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران Spd_bakhtiari@yahoo.com
۲ عضو هیئت علمی هنر و معماری اسلامی و باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران (نویسندهٔ مسئول) dsaremi@yahoo.com
۳ عضو هیئت علمی گروه باستان‌شناسی دانشکدهٔ حفاظت آثار فرهنگی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران Y.Heydari@tabriziau.ac.ir
۴ دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران Bakhtiari_sahar@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۱۵ تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۵/۲۰

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.7.4]

A Quarterly Journal Of HISTORICAL STUDIES OF ISLAM
Vol 13, No 50, Autumn 2021
Reserch Center For Islamic History, http://journal.pte.ac.ir/
Scientific-Research, pp. 35-64

Recognition of the Identity of Amir Malekshah Building in Mashhad based on Historical Texts, Architectural Features and Archaeological Evidences

Sepideh Bakhtiari[1]
Davoud Saremi Naeeni[2]
Yadollah Heidari Baba Kamal[3]
Sahar Bakhtiari[4]

Abstract: The Timurid era in Iran is a very important period in terms of progress in various Islamic arts, especially architecture and related decorations, the ultimate of which is manifested in the method of decoration using Faience mosaic. One of the important buildings in Mashhad is the Amir Malekshah building, which is not well-known despite its great architectural importance. In this research, it has been tried to study the architectural features and decorations of the Amir Malekshah building, which have not been studied so far. The findings show some considerable architectural features such as building's plan, inscriptions and their themes, tile decorations, paintings, cellar, lack of altar, the presence of a spire and minaret, the dual use of the mosque-tomb. Furthermore, Amir Malekshah building is comparable to the Blue Mosque of Tabriz and many Anatolian mosques, especially Green Mosque of Bursa, in terms of the mentioned features and especially in terms of usage. Finally, according to the plan and inscriptions found in them, the builder and designer of all three buildings was from Tabriz and was probably the same person.

Keywords: Amir Malekshah, mosque-tomb, architectural decorations, Timurid era, Mashhad, Anatolian mosques.

1 PhD in Archaeology of the Islamic Era, Department of Archaeology, and Faculty of Art and Architected, Mazandaran University, Babolsar, Iran. Spd_bakhtiari@yahoo.com

2 PhD in Archaeology, Assistant Professor, Department of Archaeology, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. (Corresponding Author) dsaremi@yahoo.com

3 Assistance Professor, Department of Archaeology, Faculty of Cultural Materials Conservation, Tabriz Islamic Art University, Iran. Y.Heydari@tabriziau.ac.ir

4 PhD in Archaeology, Department of Archaeology, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran Bakhtiari_sahar@yahoo.com

Received: 2021/02/3 Accepted: 2021/08/11

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.7.4]

مقدمه

دورهٔ تیموری یکی از ادوار مهم فرهنگ و تمدن ایران اسلامی است که در معماری و آرایه‌های وابسته به آن، آثار درخوری باقی مانده است. معماری ایران در سدهٔ هشتم قمری بر پایهٔ شکل‌ها و ساختمان سلجوقی شکل گرفت، ولی در سایهٔ تسلط شخصیت‌های ایلخانی، مقیاس و عظمت تازه‌ای پیدا کرد و در سده نهم بر مبنای اصول معماری ایلخانی با پالودگی و مهارت بیشتر ادامه یافت؛ به‌طوری که ساختمان‌های عهد تیموری از عالی‌ترین نمونهٔ هنر معماری ایران طی ادوار گذشته محسوب می‌شوند. یکی از بناهای جالب توجه این دوره بنای امیر ملکشاه در مشهد است که با توجه به بهره‌مندی از ارزش‌های فراوان معماری، تزئینات وابسته به معماری و نقشی که بافت سیاسی همزمان با ساخت این بنا در شکل‌گیری و توسعه آن داشته، چندان شناخته نیست. علاوه بر آن، در کنار اعتبار و اهمیتی که شهر مشهد در دورهٔ تیموری داشته، تلاش جدی برای مطالعهٔ شواهد باستان‌شناختی باقیمانده از این دوره در شهر مشهد نشده است. همچنین بسیاری از زوایای هنری، معماری و محتوای تاریخی بناهای آن مبهم است. بر همین اساس، در پژوهش حاضر سعی شده است به بازشناسی هویت بنا، ویژگی‌ها و آرایه‌های معماری و نمونه‌های قابل مقایسه با یکی از بناهای مهم این دوره، یعنی بنای امیر ملکشاه با استفاده از شواهد تاریخی و معماری به‌طور قابل اطمینانی پرداخته شود. نگارندگان پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این پرسش‌ها بوده‌اند که: بنای امیر ملکشاه مشهد به چه منظوری ساخته شده و کاربری آن با توجه به شواهد موجود چه بوده است؟ ویژگی‌های معماری، آرایه‌ها و بناهای قابل مقایسه با بنای امیر ملکشاه به منظور بازشناسی بهتر آن کدام‌اند؟

اساس پژوهش حاضر از نوع تحقیقات تاریخی است که در آن با استفاده از دو روش میدانی و منابع مکتوب و دستِ اول تاریخی، به موازات هم انجام گرفته است. شناسایی عوامل و افرادی که در ساخت بنای امیر ملکشاه دخیل بوده‌اند، با استفاده از منابع مکتوب صورت گرفته است؛ برای منظور، تمامی اسناد مربوط به بنای مورد نظر جمع‌آوری و به دقت مطالعه شده‌اند. در کنار داده‌های مکتوب، یافته‌های میدانی به شناخت ویژگی‌های معماری و تزئینات وابسته به آن در بنای امیر ملکشاه کمک

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.7.4]

کرده‌اند که برای دستیابی به آن، تمامی عناصر و جزئیات معماری موجود توصیف، عکاسی و طراحی شده‌اند.[۱]

پیشینهٔ پژوهش

پیشینهٔ مطالعات باستان‌شناختی و تاریخ معماری بنای امیر ملکشاه، به نگاشته‌های پراکنده‌ای که صرفاً به توصیف و معرفی اجمالی آن پرداخته‌اند، محدود می‌شود. از جمله قدیمی‌ترین توصیفات می‌توان به *سفرنامه خانیکوف* (خانیکوف، ۱۳۷۵) اشاره کرد که گزارش سفر نیکولای ولادیمیروویچ خانیکوف سیاح روسی، به بخش جنوبی آسیای مرکزی است. او در خلال سفرش، به بازدید از شهر مشهد و این بنا پرداخت. همچنین می‌توان به کتاب *مطلع‌الشمس* و *مِرآة‌البلدان* نوشتهٔ محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه اشاره کرد. در این نگاشته‌ها به معرفی و خواندن کتیبه‌های این بنا پرداخته شده است. عبدالحمید مولوی در مقالهٔ «مسجد شاه یا مقبره امیر غیاث‌الدین ملکشاه» (۱۳۴۷) به معرفی بنا پرداخته است. مولوی دربارهٔ معماری و تزئینات این بنا توضیحاتی ارائه و کاربری بنا را مقبره قلمداد کرده و بانی آن را امیر غیاث‌الدین ملکشاه والی خوارزم دانسته است. علی شریعتی (۱۳۶۳) به موقعیت مکانی بنا، تاریخ ساخت و معمار آن اشاره‌ای جزئی داشته است. ویلبر و گلمبک (۱۳۷۴) نیز به معرفی بنا و کتیبه‌ها براساس گفته‌های اعتمادالسلطنه بسنده کرده‌اند. مهدی سیدی (۱۳۷۶) ضمن توصیف کلی بنا، کاربری آن را مقبره عنوان کرده است. علاوه بر مدارک نام‌برده، مرکز اسناد و مدارک میراث فرهنگی خراسان نقشه‌ها و طرح‌هایی از بنا تهیه کرده است. با این حال، تاکنون دربارهٔ ویژگی‌های معماری، تزئینات وابسته به آن و تحلیل تطبیقی به منظور پی بردن به کاربری واقعی بنا، تحقیقات اساسی صورت نگرفته است.

---

۱ این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی سپیده بختیاری با عنوان «مطالعه و بررسی بنای امیر ملک‌شاه مشهد با استناد به منابع تاریخی، شواهد باستان‌شناختی و ویژگی‌های معماری» است که در گروه باستان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان به راهنمایی دکتر داود صارمی نایینی در تاریخ ۹۲/۷/۱۲ دفاع شده است.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.7.4]

موقعیت مکانی و پیشینهٔ تاریخی بنای امیر ملکشاه

بنای امیر ملکشاه در مرکز شهر مشهد، انتهای بازار قدیمی سرشور (بازار فرش)، خیابان خسروی و جنب حمام مهدیقلی‌بیک (موزهٔ مردم‌شناسی) واقع شده است. ساخت این بنا پنج سال پس از فوت شاهرخ و در تاریخ ۸۵۵ق. انجام شده است که امروزه به «مسجد شاه» یا «مسجد هفتاد و دو تن» شهرت دارد (مشکوتی، ۱۳۴۹: ۱۰۳؛ مقری، ۱۳۵۹: ۹؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸: ۲۰۳۹/۴؛ خانیکوف، ۱۳۷۵: ۱۱۷). این نام بر روی بنا دیده نمی‌شود، اما عنوان «شاه» به نام بانی تیموری بنا، در کتیبهٔ سردر آن آمده است (ملازاده، ۱۳۷۸: ۱۳۴؛ مقری، ۱۳۵۹: ۹). از سوی دیگر، این نام ممکن است از کتیبه‌هایی که مشعر به تعمیرات انجام گرفته در زمان صفویان و در گوشه‌ای که حمام شاه قرار دارد، ناشی شده باشد (ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴: ۴۶۷). بنای مذکور در تاریخ ۱۸ تیر ۱۳۱۱ش. به شماره ۱۸۶، به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده و طی سال‌های ۱۳۴۲، ۱۳۴۷، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۱ش. چندین بار مرمت شده است.

در سال ۱۰۲۷ق، یعنی تقریباً دویست سال بعد از ساخت بنا، حمام بزرگی معروف به «حمام شاه» توسط مهدیقلی‌بیک، میرآخور شاه‌عباس کبیر ساخته شد. ورودی حمام در خارج ضلع جنوبی بنای امیر ملکشاه و در کنار کوچهٔ حمام شاه واقع شده است. محله‌ای که بنای امیر ملکشاه و حمام شاه در آن قرار دارد، در قدیم سرسنگ نام داشته است. امروزه نیز در خارج ضلع شمالی مقبره، آب‌انبار بزرگی به نام «حوض سرسنگ» وجود دارد. حمام شاه از اوقاف آستان قدس است که واقف و بانی آن مهدیقلی‌بیک میرآخور شاه‌عباس‌کبیر بوده و مصرف وقف نیز شربت‌خانهٔ مطبخ دربار ولایتمدار رضوی(ع) است (مولوی، ۱۳۴۷: ۷۷). از روی کتیبهٔ باقی مانده در قسمت نمای ایوان که در آن به نام امیر ملکشاه اشاره شده است، بانی بنا مشخص می‌شود. «امیر غیاث‌الدین شاه‌ملک‌بن برلاس» از امرای مهم و معتبر دربار تیمور گورکانی بود که در زمان شاهرخ در جرگهٔ امرای او درآمد. وی از این زمان تا پایان عمر، حکمران ایالت خوارزم و توابع بود (مولوی، ۱۳۴۷: ۸۳). به نوشتهٔ اعتمادالسلطنه، جسد غیاث‌الدین ملکشاه را در سال ۸۲۹ق. از خوارزم به مشهد منتقل و در مقبره‌ای که خود ساخته بود، دفن کردند (۱۳۶۳: ۲۸۶/۱). به نظر ویلبر

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.7.4]

و گلمبک، آمدن نام ملکشاه در کتیبهٔ دیوان، نشان از حیات وی در سال ۸۵۵ق. دارد (۱۳۷۴: ۴۶۷، ۴۶۹)؛ حال آنکه غیاث‌الدین ۲۶ سال پیش از این تاریخ درگذشته بود. آنها احتمال داده‌اند شخص مذکور در کتیبه، امیر سیستان نظام‌الدین ملکشاه یحیی است که سمرقندی در نقل وقایع سال ۸۶۴ق. از او یاد کرده است (۱۳۷۵: ۸۸۹/۴).

مولوی بین «امیر ملکشاه» و «امیرغیاث‌الدین شاه‌ملک» (متوفای ۸۲۹ق) تفاوتی قائل نشده، این دو را یکی دانسته و بنا را به وی نسبت داده است (۱۳۴۷: ۷۶، ۹۱). با توجه به اینکه در منابع تاریخی، اثری از نام امیر غیاث‌الدین شاه‌ملک وجود ندارد و با توجه به محتویات کتیبهٔ موجود، احتمالاً مخاطب کتیبه شخصی در قید حیات بوده و شخصی که ۲۶ سال پیش از دنیا رفته، نمی‌توانسته مدّ نظر باشد (Golombek & Wilber, 1988: 334-335). در کتاب *احیاء الملوک* سال تولد «ملکشاه یحیی» ۸۲۲ق، تاریخ به حکومت رسیدن او ۸۴۲ق. و تاریخ وفات وی ۸۸۵ق. نوشته شده است. همچنین به نظر می‌رسد در زمان ساخت بنا و حتی بعد از آن، او در قید حیات بوده است (سیستانی، ۱۳۸۳: ۱۳۲، ۶۲۴).

با توجه به اینکه محل حکومت امیر ملکشاه یحیی سیستان بوده و بنا بر آنچه در *تاریخ حبیب‌السیر* آمده، آغاز حکومت وی سال ۸۶۴ق. بوده و در فاصلهٔ زمانی سال‌های ۸۴۲ تا ۸۶۴ق. ابتدا شاه‌حسین برادر ملکشاه یحیی والی سیستان شد، سپس در سال ۸۵۹ق. امیر مظفرالدین خلیل (در تاریخ *حبیب‌السیر* با نام امیر خلیل هندو از او نام برده شده) از طرف میرزا ابوالقاسم بابر زمام حکمرانی سیستان را در دست گرفت (خواندمیر، ۱۳۵۳، ۵۴/۴، ۷۹؛ سمرقندی، ۱۳۷۵: ۷۵۷/۴؛ مهرپویا، ۱۳۷۱: ۱۴۴)، بنابراین امیر ملکشاه یحیی تا سال ۸۶۴ق. که حکومت سیستان را دوباره در دست گرفت، در محدودهٔ حکمرانی تیموریان در مشهد زندگی می‌کرد و در همین مدت به ساخت بنای امیر ملکشاه اقدام کرده است (مهرپویا، همان، همان‌جا).

ویژگی‌های معماری بنای امیر ملکشاه

بنای امیر ملکشاه دارای ایوانی در شمال بنا، دهلیزهایی در اطراف گنبدخانهٔ مربعی‌شکل آن، اتاق‌هایی در جبهه‌های شرقی، غربی و جنوبی گنبدخانه، مناره‌هایی

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.7.4]

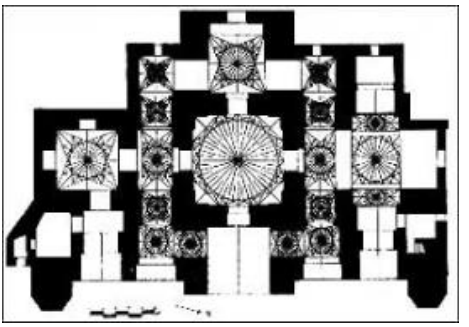
در دو سوی بنا و تزئینات کاشی‌کاری است (اوکین، ۱۳۸۶: ۴۰۵؛ ملازاده، ۱۳۷۸: ۱۳۴). گنبدخانهٔ مربع‌شکل آن در مرکز بنا واقع شده و توسط رواق‌هایی در چهار سمت احاطه شده است. نمای بیرونی بنا متشکل از یک ایوان یا سردر اصلی، دو مناره در دو گوشهٔ بنا و دو غرفه در هر سمت ایوان است (تصاویر ۱ــ۲). در زیر گنبدخانه، سردابی با یک قبر در مرکز و سه قبر دیگر در دو طرف آن دیده می‌شود (مولوی، ۱۳۴۷: ۷۸، ۸۷). در مقابل فضای باز این بنا، دو در چوبی به صحن بنا گشوده می‌شود؛ این صحن به طول تقریبی ۲۵ متر و عرض ۶ متر ایجاد شده (خجسته مبشری، ۱۳۵۳: ۳۰۲) که گویا در زمان رونق بنا وسعت بیشتری از حد فعلی داشته تا اینکه به مرور زمان از وسعت آن کاسته شده است (موسوی روضاتی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۱۶). بر بالای بنای امیر ملکشاه گنبدی دو پوستهٔ گسسته احداث شده که با هشت خشخاشی به یکدیگر متصل شده است. این گنبد از بیرون به صورت پیازی با خیز تیز به ارتفاع ۱۷/۴ متر بر روی گریوی بسیار مرتفع واقع شده است (ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴: ۴۶۸). سطح این گنبد دارای گردنی با هشت روزنهٔ مستطیل‌شکل است که به محوطهٔ بین دو پوستهٔ داخلی و خارجی گنبد راه می‌یابد (مقری، ۱۳۵۹: ۹). روزنه‌های زیر عرقچین گنبد، روشنایی داخل بنا را تأمین می‌کنند (ملازاده، ۱۳۷۸: ۱۳۵؛ Pope, 1977: 1136). به اعتقاد پوپ، شکل گنبد بنای امیر ملکشاه کامل است و بهتر از گنبد مسجد گوهرشاد که در نزدیکی آن قرار دارد، ساخته شده است (پوپ، ۱۳۷۳: ۲۰۳). وی علت آن را افزایش ارتفاع ساقهٔ گنبد بنای امیر ملکشاه نسبت به مسجد گوهرشاد دانسته که این امر سبب شده است برآمدگی گنبد چندان زننده جلوه نکند.

مناره‌ها، ایوان جلوی بنا و در ورودی

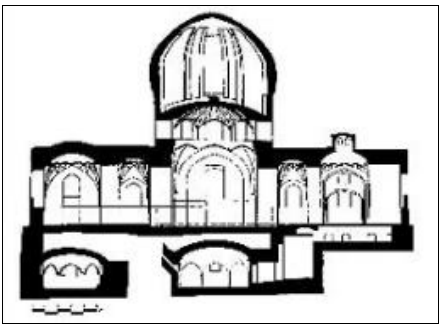
در دو طرف بنای امیر ملکشاه دو مناره مربوط به دورهٔ تیموری وجود دارد (شریعتی، ۱۳۶۳: ۱۲۱) که قسمت پایهٔ هر یک به شکل پنج‌ضلعی و بقیه به صورت دایره‌ای ساخته شده و بخش فوقانی مناره‌ها به مرور زمان فرو ریخته است. در منارهٔ شمالی به جای آن مأذنه ساده‌ای را به مناره افزوده‌اند که هماهنگی زیادی با بقیه مناره ندارد؛ چنان‌که امروزه منارهٔ شمالی ۲۰ متر و مناره جنوبی ۱۵/۴ متر ارتفاع

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.7.4]



تصویر۱. پلان بنای امیر ملکشاه
(اوکین، ۱۳۸۶: ۷۳۵)



تصویر۲. مقطع طولی بنای امیر ملکشاه
(اوکین، ۱۳۸۶: ۷۳۷)

دارد (مولوی، ۱۳۴۷: ۸۸). نمای بنای ملکشاه ترکیب متقارنی را نمایش می‌دهد؛ بدین صورت که در دو طرف ایوان مناره‌ای ایجاد شده است (ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴: ۴۶۸). ایوان جلوی بنا به عرض ۴/۹۵ متر ایجاد شده که ارتفاع آن از زمین تا لبهٔ بام ۹/۴ متر و عمق ایوان تا در بنا ۴/۲۰ متر است. این ایوان مستقیماً به فضای گنبددار مرکزی که با دهلیزی احاطه شده است، راه دارد. چهار طرفِ در ورودی بنا نیز با فضاهای جانبی این گنبدخانه در ارتباط است (ملازاده، ۱۳۷۸: ۱۳۴). از نظر کاشی‌کاری، نقوش و دیگر تزئینات بسیار غنی است. در انتهای این ایوان، در ورودی واقع شده است که بر روی لت سمت راست آن دو حدیث، یکی از رسول اکرم(ص) با مضمون «أنا مَدینَة العِلمِ وَ عَلی بابُها» و دیگری حدیثی از امام جعفر صادق(ع) با مضمون «مِن بَنی مَسجداً بنی الله لَهُ بَیتاً فی الجَنَة» نوشته شده است. بر روی لت سمت چپ نیز دو عبارت مذهبی «أنا دارُ البُکاءِ للحُسِین عَلَیه السَّلام» و «مَن دَخَلَنی لِلبُکاءِ فَقَد دَخَلَهُ الله فِی الجَنَه» به چشم می‌خورد. در بالای چهارچوب در به قلم نستعلیق برجسته عبارت «بسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیم» و تاریخ ۱۱۵۵ق. آمده نگاشته شده است.

ساختمان درونی بنا

ساختمان بنا به مساحت ۶۶۰ متر مربع، شامل گنبدی دو پوسته با دو شبستان است (کبیری، ۱۳۲۶: ۴۲) که در وسط هر ضلع گنبدخانه، درگاهی به رواق‌های مجاور باز می‌شود. در بالای هر درگاه کاشی‌کاری‌های نفیسی اجرا شده است. علاوه بر آن،

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.7.4]

در دو مناره و یک ایوان نقوش هندسی بر روی زمینه‌ای از کاشی معرق ایجاد شده است. اعتمادالسلطنه دربارهٔ این بنا آورده است: «اکنون جز دو مناره و یک گنبد در شرف تخریب، اثری از آن باقی نیست. صحن و حجرات آن به مرور ایام ویران شده است. وضع بنیان و کاشی‌کاری معرق آن کمال امتیاز را داشته است» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸: ۲۰۳۹/۴). امروزه به مرور زمان بیشتر کاشی‌ها از بین رفته و آنچه باقی مانده، نمونهٔ رنگ و لعاب کاشی عهد تیموری و صفوی است (مولوی، ۱۳۴۷: ۷۸). محوطه‌های شمال و جنوب دهلیز پیرامون گنبدخانه به لحاظ طرح متقارن نیستند؛ شاید به گفتهٔ اوکین علت این عدم تقارن مشکلاتی باشد که سازندهٔ بنا در به دست آوردن زمین برای ساخت داشته است (اوکین، ۱۳۸۶: ۴۲۰)؛ زیرا از یک سو دستیابی به زمین‌های نزدیک مرکز تجاری شهر و مسیر اصلی بازار امکان‌پذیر نبوده و از سوی دیگر، بعضی از آنها تا آن زمان وقف حرم امام رضا(ع) شده بود. این امر همچنین می‌تواند دلیل تزئین تنها یک نمای ساختمان را نمایان سازد؛ در نتیجه مجبور بوده‌اند بنا را در محوطه‌ای که از قبل وجود داشته، بگنجانند.

در پشت گنبدخانه و روی محور درگاه اصلی، اتاق کوچکی در نمای عقبی بنا پیش رفته و توسط راهرو و دهلیزهایی با بخش‌های دیگر در ارتباط است. این اتاق به طرف دهلیزی که گنبدخانه را احاطه کرده، راه می‌یابد. همچنین محوطهٔ بزرگی که از سمت راست گنبدخانه به طرف این دهلیز باز می‌شود، شکل صلیبی به خود گرفته و بازوهای آن به سمت شرق و غرب ادامه می‌یابد. این محوطه بارها تعمیر اساسی شده و در حال حاضر به عنوان شبستان استفاده می‌شود. در سال ۱۳۴۵ش. در زیر بنای مذکور ضمن انجام تعمیراتی در رواق شمالی، پلکانی مدفون در خاک یافت شد. با تخلیهٔ خاک، سردابی به طول و عرض ۶/۳۶ متر کشف شد و در میان آن قبری به ابعاد ۰/۵۶ × ۱/۹ متر به دست آمد که احتمالاً متعلق به امیر ملکشاه است (مولوی، ۱۳۴۷: ۸۷).



[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

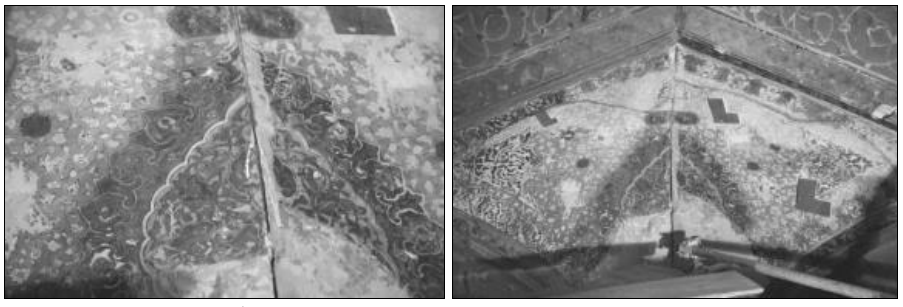
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.7.4]

در طرف چپ قبر مرکزی دو قبر و در طرف راست یک قبر فاقد سنگ قبر وجود دارد. در چهار سوی سرداب هواکش‌هایی تعبیه شده تا سرداب از رطوبت و هوای محبوس صدمه نبیند. تصویر۳. سرداب بنا (بختیاری، ۱۳۹۲)

نقاشی درونی ساختمان بنا

آثار نقاشی در سطح داخلی گنبدخانه و زیر عرقچین، به شکل تزئینات زرنگار و به رنگ لاجوردی و زرد اجرا شده است (مولوی، ۱۳۴۷: ۸۵). تمام سطوح رسمی‌بندی‌ها با رنگ لاجوردی و طلایی با نقوش بسیار ظریف نقاشی شده که در زیر اندود گچی و خاکستری پنهان و امروزه قسمت‌هایی از آن آشکار شده است. از دیگر موارد نقاشی شده می‌توان به دیوارنگاره‌های بالای طاق‌های باربر اشاره کرد که طی دهه ۱۳۵۰ تعمیراتی در آن انجام گرفت و اندود گچ از روی نقاشی برداشته شده است. در بین نقوش اسلیمی این قسمت، رنگ طلایی ورق طلا (طلاچسبان) باقی مانده که مستقیم روی بستر گچی چسبانده شده است. علاوه بر آن، بخشی از آیهٔ ۱۲ و ۱۳ سورهٔ واقعه (جَنّاتِ النَّعیمِ ثُلَّهٌ ...) در تمام طاق‌ها و در زیر اندود خاکستری پوشیده شده است (آرشیو سازمان میراث فرهنگی خراسان رضوی، ۱۳۹۲). سالم‌ترین دیوارنگاره بر روی فیلپوش جنوبی بر جای مانده و دیوارنگاره‌های فیلپوش شرقی در زیر اندود خاکستری پوشیده شده‌اند (تصاویر ۴ و ۵).

نقوش موجود در لچکی‌ها به صورت بسیار برجسته اسلیمی اجرا شده که در قسمت فوقانی آن کتیبهٔ گچی سفیدرنگ با برجستگی اندک در زمینهٔ اخرایی به کار رفته است. در لایه‌نگاری‌های اخیر، خطوط ثلث با فن لایه‌چینی آشکار شده و



تصاویر ۴ و ۵. قسمتی از تزئینات نقاشی فیلپوش (آرشیو سازمان میراث فرهنگی خراسان رضوی، ۱۳۹۲)

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.7.4]



تصویر۶. رسمی‌بندی‌ها و عرقچین (آرشیو سازمان میراث فرهنگی خراسان رضوی، ۱۳۹۲)

روی آن ورق طلا به کار رفته است. در یکی از دوره‌ها زمینهٔ کتیبه را بسیار عجولانه و با رنگ قرمز اخرایی کشیدند و سپس روی خطوط ثلث را که قبلاً طلا ریخته بودند، رنگ سفید زده‌اند. در بالای خط ثلث یک حاشیهٔ دیگر با زمینهٔ سیاه با دو بند نقوش ختایی که در میان هم حرکت می‌کنند، تزئین شده است. نقوش موجود بر روی دوال رسمی‌ها شامل گل‌های تشعیری و ختایی در زمینه‌ای از رنگ آبی است. همچنین می‌توان آثار نقوش هندسی را در عرقچین گنبد مشاهده کرد؛ یعنی سطوح زمینهٔ آبی و قرمز به ترتیب تکرار می‌شدند تا تمام سطح عرقچین را بپوشانند (تصویر۶).

کتیبه‌نگاری

کتیبه‌نویسی سبک‌های مختلفی در تاریخ معماری ایران، به‌ویژه دورهٔ اسلامی دارد. در معماری دورهٔ اسلامی، کمتر بنایی را می‌توان یافت که در داخل و خارج آن نوعی کتیبه دیده نشود. هدف هنرمند از کتیبه‌نگاری در تزئین بنای امیر ملکشاه، علاوه بر جنبهٔ زیبایی‌شناسی سبب شده است از طریق آن بتوان به کاربری ساختمان، نام سازنده و حامیان آن نیز پی برد. اعتمادالسلطنه در *مطلع الشمس* به کتیبه‌ای در قسمت بالایی ساقهٔ گنبد بر روی زمینهٔ لاجوردی کاشی معرق با خط ثلث سفید اشاره کرده که گنبد را دور می‌زده است:

... سجده‌گاه اصفیا از صفا و مروه آن کعبه‌گر دارد
شرف از صفا و مروه این کعبه دارد
صد بهاء از وجود مصطفی گر گشت آن کعبه عزیز
ماه برج سلطنت، آفتاب اوج عزت به شاه فوج اولیا

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.7.4]

همچنین آثاری از نوشتهٔ «بسمِ اللهِ الـرَ (حمـــنِ الـرَحیم) ... وَ ال ... رَبِّ ا ...عتَمِـدی اَبالحَسَن عَلی ابنِ الحُسین وَ (فَ)؟ قُلَ اللهِ لِرصا (ی) جَعَلَ مِن صَلئل؟ اولادِ لَص(ا) لِحـین ... و کلمـه اَلعاقِبَـهِ المُتَقـین» دیـده مـی‌شـود (اعتمادالسـلطنه، ۱۳۶۳: ۵۳۳/۲-۵۳۴؛ مهرپویا، ۱۳۷۱: ۱۵۱).

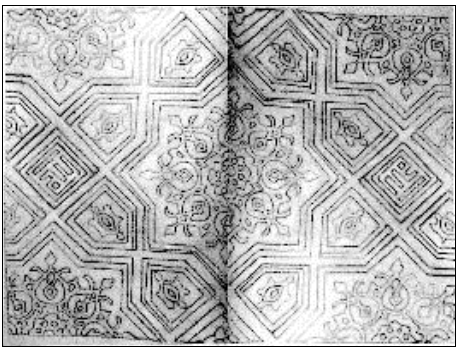
در این کتیبه، بنا با کعبه و دیگر اماکن مقدس عربستان، مانند صفا و مروه که حجاج هفت بار بین آنها راه می‌روند، مقایسه شده است. به اعتقاد ویلبر و گلمبک (۱۳۷۴: ۴۶۹، ۴۷۰)، شاید این کتیبه به مدفن شخص مدفون‌شده اشاره دارد. دهلیز پیرامون آن، مکانی است که مراسم طواف را می‌توان در آن انجام داد؛ همان‌گونه که در مورد کعبه و تعدادی از زیارتگاه‌های ایران صورت می‌گیرد. متأسفانه! بقیهٔ عبارت کاملاً از بین رفته است. در بالای این کتیبه، عبارت «الملک الله» به خط کوفی بر زمینه‌ای از کاشی لاجوردی نگاشته شده است. در پایین‌ترین قسمت ساقهٔ گنبد و میان روزنه‌های روی سطح گریو، کتیبه‌ای به خط کوفی بنایی درشت با مضمون «البقاء الله» نگاشته شده که برای اجرای این کتیبه از آجرهای لعاب‌دار فیروزه‌ای با حاشیهٔ لاجوردی استفاده شده است. این کتیبه بارها در اطراف گنبد تکرار شده است.

در قسمت پایینی آوگون گنبد عبارت «یا الله» با آجرهای لعاب‌دار لاجوردی، در زمینهٔ آبی فیروزه‌ای میان دو نوار متشکل از ترنج‌های طلایی‌رنگ اجرا شده است. هر عبارت «یا الله» به صورت عکس آن در مقابلش تکرار شده که با شکل هندسی ۵ ضلعی از عبارت بعدی جدا شده است. مهم‌ترین محل برای هنرنمایی خوشنویس، سردرها، اطراف محراب، گریو گنبد، بالای مناره، فضای داخلی و اطراف طاق‌نماها است که نمونه‌های مختلف آن را در بنای امیر ملکشاه می‌توان دید (بختیاری، ۱۳۹۲: ۲۵-۴۳) (تصاویر۷ و ۸).

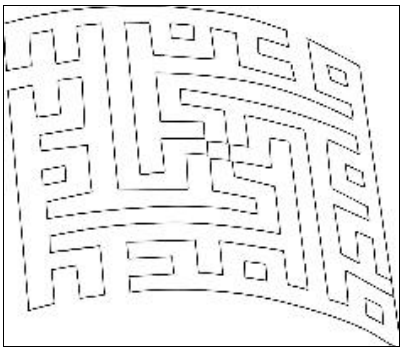
کاشی‌کاری

از ویژگی‌های این بنا کاشی‌کاری قسمت‌های مختلف آن است که سرتاسر نمای اصلی، ایوان ورودی، گنبد و مناره‌ها را با کاشی‌های معرق و هفت‌رنگ مزین به طرح‌های متنوع گیاهی، هندسی و کتیبه‌های مختلف پوشانده است. سطوح خارجی

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.7.4]



تصویر ۷. تلفیق نقوش هندسی، گیاهی و کتیبه به‌صورت کاشی معرق بدنه داخلی ایوان بنای امیر ملکشاه (بختیاری، ۱۳۹۲)



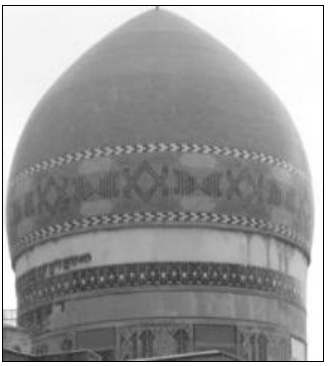
تصویر ۸. طرح کوفی بنای کتیبه فوقانی مناره شمالی (بختیاری، ۱۳۹۲)

گنبد، روکشی از کاشی فیروزه‌ای معرّق مربع‌شکل دارد که در دورهٔ معاصر به جای پوشش قدیمی نصب شده است (فقیه‌نیا، ۱۳۵۹: ۳۳-۳۶؛ میرجعفری، ۱۳۷۵: ۱۳۱). گنبد در سال ۱۳۳۶ش. رو به خرابی بوده و بیشتر کاشی‌های معرق آن از بین رفته است (کبیری، ۱۳۲۶: ۴۲). بقیهٔ سطح گنبد با کاشی‌های آبی روشن که در داخل آن یک طرح هندسی را نشانده بودند، پوشیده شده است (تصویر ۹). در ساقهٔ گنبد نیز کاشی‌های معرق به کار رفته و در میان روزنه‌های روی سطح گریو گنبد، قطعات مربع‌شکل بسیار کوچک سفال به رنگ آبی سیر نصب شده است. علاوه بر آن، روی گریو و بالای دهانه‌ها، سلسله‌نوارهای تزئینی کاشی معرقِ دور زننده، به انضمام چند کتیبه مشهود است (تصویر ۱۰).

در بالای ازارهٔ هر دو مناره، بخشی از آیه ۳۳ سوره مبارکه فصلت به خط ثلث، در زمینه لاجوردی با کاشی معرق اجرا شده است. در قسمت فوقانی آیهٔ مذکور در هر دو مناره شمالی و جنوبی، بر روی زمینه‌ای از کاشی لاجوردی کتیبه (سُبحانَ اللهِ وَ الحَمدُ لِلّهِ وَ لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَ اللهُ اَکبَر وَ لا حَولَ وَ لا قُوَةَ اِلا بِاللهِ العَلی العَظیم) به خط کوفی نگاشته شده است. ساقهٔ مناره‌ها نیز ترکیبی از کاشیِ معرق و هفت‌رنگ است که با نقوش نیم‌ترنج، ترنج و کتیبه‌هایی در بستر این نقوش تزئین شده است (مقری، ۱۳۵۹: ۹).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.7.4]



تصویر ۹. پوشش آبی فیروزه‌ای سطح گنبد (بختیاری، ۱۳۹۲)



تصویر ۱۰. کاشی‌کاری معرق ساقهٔ گنبد (آرشیو سازمان میراث فرهنگی خراسان رضوی، ۱۳۹۲)



تصویر ۱۱. کاشی‌های معرق و هفت‌رنگ بدنهٔ مناره (بختیاری، ۱۳۹۲)

قاعدهٔ کتیبه کاشی‌های معرق با نوارهـای تزئینـی، مرکـب از کاشـی هفـت‌رنـگ آراسته و میله‌های مناره نیز با کاشی‌های معرق و هفت‌رنگ اجرا شده است (تصویر ۱۱). ساختمان ایوان جلوی بنا که در رجب ۸۵۵ق. پایان یافته بود (مشکوتی، ۱۳۴۹: ۱۰۳)، با کاشی معرق پوشیده شده و شامل طرح‌های اسلیمی و کتیبـه اسـت (تصـویر ۱۲). در اطراف ایوان با کاشی‌های معرق بسیار ممتاز به رنگ سفید با زمینـهٔ کاشـی لاجوردی، کتیبه‌ای حاوی صلوات بر چهـارده معصـوم در دورهٔ تیمـوری نقـش شـده است. همچنین در بدنهٔ راست و چپ ایوان، نمای بدنه با کاشی سـیاه و بـا شمسـه‌ای معرق تزئین شده است. هر یک از نقـوش ظریـف داخـل ایـوان بـه وسـیله حاشـیهٔ باریک معرق و متناسب با نقش آن، از نقش کناری خود جدا شده و جلوهٔ دیگری به ایوان جلوی بنا داده اسـت (مولـوی، ۱۳۴۷: ۸۳) (تصـویر ۱۳). بـر روی کاشـی‌هـای سبزرنگ مستطیلی ازاره و در فضای درونی گنبدخانه، نقوشـی بـا رنـگ زرد شـامل یک ترنج در مرکز و دو لوزی در اطراف ترسیم شده که بر روی ترنج مرکزی کلمه «الحکم لله» و بر روی هر لوزی کلمهٔ «علی» چهار مرتبه با رنگ طلایی نوشته شـده است (تصویر ۱۴).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.7.4]



تصویر ۱۲. کاشی‌کاری معرق ایوان ورودی (بختیاری، ۱۳۹۲).



تصویر ۱۳. کاشی‌کاری معرق بدنهٔ ایوان (بختیاری، ۱۳۹۲)



تصویر ۱۴. کاشی‌کاری فضای زیرین گنبدخانه (بختیاری، ۱۳۹۲)

تزئینات آجرکاری، سنگ‌کاری و گچ‌کاری

از دیگر تزئینات این بنا آجرکاری قسمت‌های مختلف آن است که در مناره‌ها، نمای اصلی، ایوان جلوی بنا، ساختمان درونی و سرداب بنا به کار رفته است. استفاده از برخی آجرها به شیوهٔ آجرتراش با طرح‌های هندسی و گیاهی (اسلیمی) در تلفیق با کاشی معرق، یکی از جلوه‌های زیبای این بنا به شمار می‌آید. از جمله تزئینات آجرکاری می‌توان به میله‌های مناره‌ها اشاره کرد که با روکشی از آجرتراش، در داخل آنها طرح‌هایی از سفال لعاب‌دار به کار رفته است (Pope, 1977: 1141). این مناره‌ها با ترنج‌هایی بر گرداگرد بدنهٔ خود و کتیبه‌هایی در قسمت پایین مناره بالای ازاره، تا زمان حال پابرجا مانده‌اند و فقط بخش فوقانی مناره‌ها به مرور زمان از بین رفته است. تزئینات بر جای مانده از این مناره‌ها عبات است از: آیه ۳۳ سوره مبارکهٔ «فصلت» به خط ثلث با زمینهٔ کاشی معرق لاجوردی؛ عبارت (سُبحانَ اللهِ وَ الحَمدُ لِلّهِ وَ لا اِلهِ اِلّا اللهُ وَ اللهُ اَکبَر وَ لا حَولَ وَ لا قُوَةَ اِلا بِاللهِ العَلی العَظیم) و عبارت «الله اکبر» در ۸ کادر مربع‌شکل با رنگ زرد بر زمینه‌ای از کاشی معرق لاجوردی و با حاشیه‌ای از کاشی آبی فیروزه‌ای در قسمت فوقانی سورهٔ مبارک فصلت.

در ساقهٔ هر دو منارهٔ شمالی و جنوبی، چهار نیم‌ترنج با احادیثی از رسول اکرم(ص) درج شده است؛ به گونه‌ای که در اولین نیم‌ترنج از سمت راست، در

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

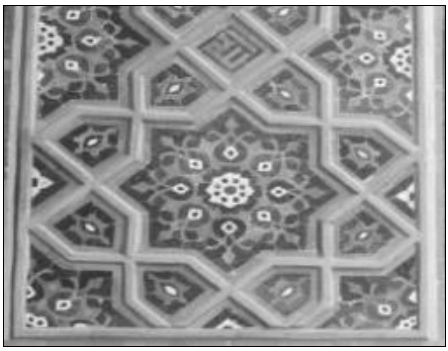
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.7.4]

هر دو مناره کتیبه »قالَ اَلنَبی عَلیهِ اَلسَّلام مَن اَذِنَ سَبع سِنین مُحتَسِباً کُتِب لَهُ بَراتِ مِنَ النّار صَدَقَ نَبی الله» به خط نسخ، با کاشی معرق اجرا شده است. دومین نیم‌ترنج نیز شامل کتیبه‌ای به خط نسخ با زمینهٔ آبی لاجوردی با متن «قالَ رَسول الله صَلَّی الله عَلیهِ وَ سَلَّمَ اَلمُوذِنونَ اَطول النّاس اَعناقاً یوم القِیامَهِ وَ قالَ عَلیهِ اَلسَّلامَ اِذا سَمِعتُم المُوَذِنُ فَقولوا مَثَلَ ما یقول» است. کتیبهٔ موجود در سومین نیم‌ترنج، به خط نسخ در زمینه‌ای به رنگ لاجوردی عبارت است از: «قالَ اَلنَبی عَلَیهِ اَلسَّلام اَلاَئِمَه ضَمِنا وَ المُوذِنون اَمنافا رُشدُ اَلاَئِمَهِ وَ غفِر لِلمُوذِنینَ» (مهرپویا، ۱۳۷۱: ۱۴۹). چهارمین نیم‌ترنج در هر دو مناره دارای حاشیه‌ای به رنگ آبی فیروزه‌ای است. این نیم‌ترنج در منارهٔ شمالی فاقد کتیبه است و داخل آن را با کاشی لاجوردی پر کرده‌اند. البته در منارهٔ جنوبی، در چهارمین نیم‌ترنج به خط نسخ سفید در زمینهٔ لاجوردی عبارت «قالَ رَسول الله صَلَّی الله عَلیهِ وَ سَلَّام اَلمُوذِنون اَطول النّاس اَعناقاً یوم القِیامَه وَ قالَ عَلیهِ اَلسَّلام اِذا سَمِعتُم اَلمُوَذِن فَقولوا مَثَلَ ما یقول» آمده است.

ترنج‌های موجود بر روی ساقهٔ مناره‌ها به صورت افقی و عمودی چیده شده‌اند. ترنج‌های عمودی نقوش اسلیمی به رنگ‌های سبز، سفید و زرد عسلی دارند و ترنج‌های افقی مشتمل بر اسماء الهی به خط ثلث سفید بر روی کاشی لاجوردی می‌باشند. چیدمان این ترنج‌ها بر روی ساقهٔ مناره به این صورت است که در چهار سمت هر ترنج عمودی، یک ترنج کوچک به صورت افقی قرار دارد. متن کتیبه‌ها حاوی اسماء الهی است که گرداگرد مناره، از پایین تا بالا نوشته شده‌اند. همچنین در قسمت بالایی منارهٔ شمالی، کلمه «محمد» چهار بار با خط کوفی بنایی به رنگ لاجوردی در زمینهٔ کاشی فیروزه‌ای اجرا شده است. علاوه بر آن، در بدنهٔ راست و چپ ایوان با آجر نقش هشت مربع ایجاد شده است (تصویر۱۵). نما و داخل غرفه‌ها را با کاشی‌کاری معرق و آجرتراش با طرح‌های هندسی و اسلیمی و بدنهٔ داخلی ایوان را با آجرهای تراش برجسته و طرح‌های هندسی تزئین کرده‌اند. قبور سرداب را با پنج رگه آجر و گچ بالا آورده و روی آنها را با گچ کشیده‌اند. این قبور فاقد سنگ و سرلوحهٔ قبر است (تصویر ۱۶).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.7.4]



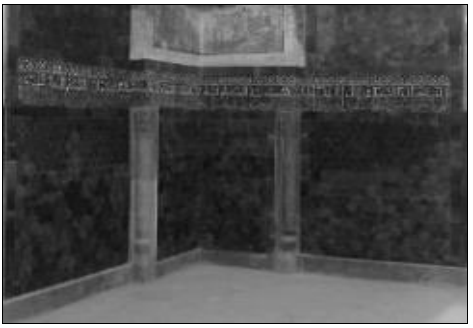
تصویر۱۵. تصویر شمسهٔ معرق بدنهٔ ایوان (بختیاری، ۱۳۹۲)



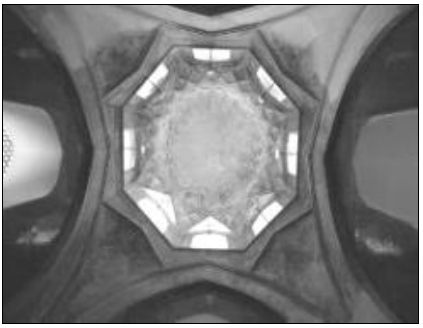
تصویر۱۶. قبور آجری سرداب (عکس از سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۹۲)

یکی دیگر از تزئینات این بنا استفادهٔ گسترده از سنگ در ازارهٔ قسمت‌های مختلف است. علاوه بر این، از سنگ در نیم‌ستون‌های تزئینی موجود در فضای زیر گنبدخانه استفاده شده است. همچنین ازارهٔ قسمت داخلی بنا، با کاشی‌های سبز به وسیلهٔ ستون‌های مرمری و با سرستون مقرنس اجرا شده است (تصویر۱۷).

در کنار تزئینات آجر و سنگ، از گچ در نمای اصلی، ساختمان درونی و ایوان جلوی بنا استفاده شده است. در زیر عرقچین نیز آیات ۱۶۱ تا ۱۶۶ سوره مبارکهٔ بقره با گچ در زمینه قرمز به خط ثلث اجرا شده است (تصویر۱۸).



تصویر۱۷. ستون‌های مرمری ازارهٔ داخلی بنا (بختیاری، ۱۳۹۲)



تصویر ۱۸. تزئینات گچی گنبدخانه (بختیاری، ۱۳۹۲)

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.7.4]

کاربری بنا با استناد به شواهد موجود

همان‌گونه که پیشتر شرح داده شد، در کتاب *احیاء الملوک* تاریخ به حکومت رسیدن ملکشاه یحیی سال ۸۴۲ق. و تاریخ وفات وی ۸۸۵ق. نوشته شده (سیستانی، ۱۳۸۳: ۱۳۲، ۶۲۴) و با توجه به محدودهٔ حکمرانی امیر ملکشاه در مشهد در زمان تیموریان، احتمالاً در همین زمان اقدام به ساخت مقبرهٔ خانوادگی خود کرده است (مهرپویا، ۱۳۷۱: ۱۴۴). با این حال، تنها با اتکا به منابع تاریخی نمی‌توان کاربری مقبره امیر ملکشاه را تعیین کرد. با توجه به دلایل زیر مسجد شاه مقبرهٔ امیرغیاث‌الدین ملکشاه است:

۱. قبلهٔ این بنا، از جنوب به غرب ۲۴ درجه انحراف دارد، اما قبلهٔ شهر مشهد ۵۴ درجه از جنوب به غرب منحرف است. نکتهٔ قابل توجه این است که اگر این بنا مسجد بوده باشد، بدون تردید باید قبله‌اش همانند سایر مساجد شهر مشهد باشد (اختلاف محور بنا با جهت قبله) (مولوی، ۱۳۴۷: ۸۰؛ خراسانی، ۱۳۴۷: ۶۶۵-۶۶۶؛ شریعتی، ۱۳۶۳: ۱۲۱).

۲. متناسب با نقشهٔ این بنا، اگر در قرن نهم قمری کسی قصد ساختن مسجدی را داشت، در اطراف ایوان و سرپوشیدهٔ مرکزی رواق نمی‌ساخت، بلکه به جای آن در دو طرف ایوان، متناسب با ظرفیتی که داشت، «مسجد زمستانی» طراحی می‌کرد. به‌طور کلی در معماری مساجد بخش مهم مورد توجه محراب مسجد و سپس سایر بخش‌ها می‌باشد، اما چنین اصلی در نقشهٔ آن رعایت نشده است. به عبارت دیگر، این بنا فاقد محراب بوده است. بنابراین نمازگزار باید مایل بایستد تا در جهت قبله باشد (مولوی، ۱۳۴۷: ۸۹).

۳. با توجه به مضامین اشعار سمت راست پایهٔ راست ایوان، امکان مقبره بودن آن بیشتر از مسجد بودنش است:

خوش است عمر دریغا که جاودانی نیست

پس اعتماد بر این پنج روز فانی نیست

۴. مناجات حضرت علی(ع) در نوشته‌های داخل گنبدخانه حاوی استدعای عفو، بخشش گناهان و تقاضای شفاعت پیامبر اکرم(ص) است. این مناجات حاکی از اظهار ندامت از اعمال گذشته، پشیمانی و طلب رحمت است. مانند:

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.7.4]

الهـــی انســـنی بتلقـــین حجتـــی اذا کان لی فی القبر مثوی و مضـجع

۵. عبارت «البقاءالله» ساقهٔ گنبد نشان دهندهٔ آن است که سازندهٔ بنا بقای جـاودان را خاص ذات پروردگار دانسته و خود و دیگران را در برابر خداوند فانی می‌دانسـته است.

۶. وجود سرداب زیر بنا و قبور موجود در آن، دلیل بر مقبره بـودن بنـا اسـت. از سوی دیگر، بین مسلمین دفن در مساجد معمول نیست و خواندن نمـاز در گورسـتان نیز مکروه است (مجلسی، ۱۴۱۴: ۲۳/۷).

به نظر دونالد ویلبر و لیزا گلمبک (۱۳۷۴: ۴۷۳)، اینکه گفته می‌شود جهـت بنـا با جهت قبله تناسبی ندارد یا اینکه محراب درستی وجـود نـدارد، پـذیرفتنی نیسـت؛ زیرا ضبط‌های گوناگون قبله (۲۵۰ یا ۲۴۰ درجه) در مساجد دیگر این ناحیه یافـت می‌شود و این امکان وجود دارد که محراب اصلی را برداشته باشند. همچنین با توجه به تبریزی بودن معمار بنا و شباهت نقشه به مسـجد کبـود تبریـز و برخـی مسـاجد ساخته شده توسط معماران ایرانی در بورسـه ترکیـه و مسـجد جـامع گوهرشـاد در هرات، این بنا از نوع مساجد آرامگـاهی روزگـار تیمـوری اسـت (موسـوی، ۱۳۷۸: ۵۵۴-۵۵۷). شواهد دیگری مبنی بر اینکه مسجد شـاه را بـه عنـوان مکـان عبـادت، به‌ویژه به عنوان مسجد محله طراحی کرده بودند، وجود دارد. نـوع بـرج‌هـا کـه در کنار دو طرف ساختمان وجود دارد، بـرخـلاف انـواع کوتـاه‌تـر آن در گازرگـاه و خرگرد، گواهی می‌دهد که این برج‌ها بدون هیچ ابهامی مناره است. پلکان داخلـی و استوانه‌ای بلند آن که به بالکن منتهی می‌شود و همچنین مشاهدهٔ کتیبه‌هایی بـر روی آنها که در ارتباط با نماز و اذان است، احتمال هـرگونـه شـک و تردیـد را از بـین می‌برد. دو کتیبهٔ جدیدتر از دورهٔ صفوی گویای آن است کـه ایـن بنـا در سـده‌هـای جدیدتر نقش مسجد را داشته است. این کتیبه‌ها در داخـل گنبدخانـه زیـر عـرقچین نگاشته شده‌اند. متن اولین آنها به خط ثلث با رنگ سفید در زمینه قرمز نوشته شده و دربردارندهٔ آیات ۱۶۱ تا ۱۶۶ سورهٔ مبارکه بقره است. در قسـمت انتهـایی کتیبـه، تاریخ «تِسعَة عَشر وَ مائة وَ الف» (۱۱۱۹ق) نوشته شده است که اشاره به تعمیـر بنـا در دورهٔ صفوی دارد (مولوی، ۱۳۴۷: ۸۶؛ آرشیو سازمان میـراث فرهنگـی خراسـان رضوی). دومین کتیبهٔ این قسمت در داخل ترنج‌های کشیده‌ای با زمینهٔ قرمز، مشـتمل

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.7.4]

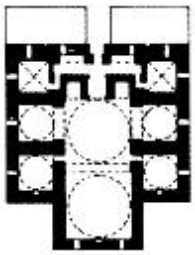
بر صلوات بر چهارده معصوم با خط ثلث طلایی است که به احتمال زیاد از تعمیرات دورهٔ صفوی می‌باشد (مهرپویا، ۱۳۷۱: ۱۵۷). اگرچه برای گنبدخانهٔ مرکزی با احتمال وجود یک بنای یادبود در آن، می‌توان نقش مزار را برای آن در نظر گرفت، با این حال گنبدخانه‌های هر طرف بنا به صورت نمازگاه خصوصی کاربرد داشته‌اند.

بحث و تحلیل

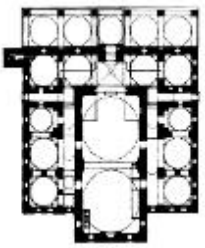
معمار بنای امیر ملکشاه مشهد، احمدبن شمس‌الدین محمد تبریزی بنّا بوده است. همچنین با توجه به کتیبه‌ای که در دیوارهای جانبی شاه‌نشین «مسجد یشیل» بورسه به نام محمد غریب و کتیبه‌ای با مضمون عمل استادان تبریزی آمده، این احتمال وجود دارد که معمار طراح و سازندهٔ مسجد کبود با مسجد یشیل هم آشنا بوده است (بلر و بلوم، ۱۳۸۶: ۱۰۴). البته بنای امیر ملکشاه فقط به مسجد یشیل مشابهت ندارد، بلکه با بسیاری از مساجد استانبول، بورسه و آماسیه قابل مقایسه است (تصویر۱۹). «هیلن برند» فرم معماری مسجد کبود را تکامل تجربیات معماری دورهٔ تیموری و تداوم تجربیات معماری منطقهٔ خراسان دانسته است (هیلن‌برند، ۱۳۹۱: ۱۰۴). این نوع از مسجد- مقبره‌ها دربردارندهٔ بناهایی‌اند که در شهر بورسه - نخستین پایتخت واقعی ترکان عثمانی- ساخته شده‌اند و سپس نمونه‌هایی از آن در شهرهای دیگر منطقه آناتولی پدید آمد. به عقیدهٔ هیلن برند، طرح تک‌گنبد مرکزی مسلط بر بنا، در ابعاد متفاوتی ظاهر شده است (همان، ۱۰۷ـ۱۰۸) که نمونه‌های آن در تصویر ۱۹ دیده می‌شود. بنابراین و براساس مقایسهٔ تطبیقی معماری با بناهای مشابه در منطقهٔ آناتولی، مسجد کبود تبریز و همچنین با توجه به تشابه میان بافت تاریخی ایجاد کنندهٔ آنها، بنای امیر ملکشاه بنایی با کاربری مسجد-مقبره است.

استادکاران تبریزی که در سمرقند و در دربار تیمور حضور داشتند، بعد از درگذشت تیمور، در بازگشت جهانشاه از هرات به تبریز، به همراه او و برای تسریع در ساخت مسجد کبود آورده شدند. همچنین از آنجا که جهانشاه و قراقویونلوها قبل از آنکه بر ایران حکومت کنند، در شرق ترکیهٔ کنونی سکونت داشتند و پیش از حکمرانی بر ایران، با معماری و بناهای عثمانی آشنایی کامل داشتند، به نظر می‌رسد

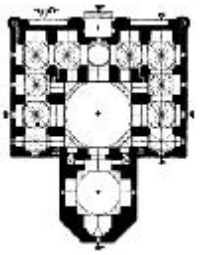
[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.7.4]



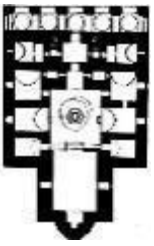
مسجد یشیل بورسه، ۸۱۴ق
(گودوین، ۱۳۸۸)



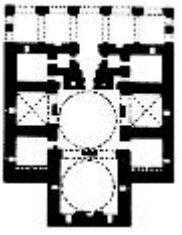
مسجد محمدپاشا استانبول، ۸۶۹ق
(گودوین، ۱۳۸۸)



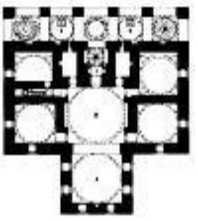
مسجد کبود تبریز، ۸۷۰ق
(حاجی قاسمی، موسوی روضاتی و سلطان‌زاده، ۱۳۸۳: ۵۹/۶ـ۶۰)



مسجد خداوندگار بورسه، ۷۸۷ق
(گودوین، ۱۳۸۸)



مسجد ایلدریم بایزید بورسه،
۷۹۸ق (گودوین، ۱۳۸۸)



مسجد بایزید پاشا آماسیه، ۸۲۲ق
(گودوین، ۱۳۸۸)

تصویر۱۹. نقشهٔ مسجد کبود تبریز و چند مسجد مهم قرن هشتم و نهم قمری در منطقهٔ آناتولی

جهانشاه می‌خواست بانی مجموعه‌ای باشد که ویژگی‌های والای هنرهای شرق و غرب دنیای اسلام آن زمان را در خود داشته باشد (پورمیزاب، ۱۳۹۱: ۱۲۰–۱۲۲). بر همین اساس، به ساخت بنایی با نقشهٔ مشابه بناهای آسیای مرکزی و آناتولی (نقشه T شکل) اقدام کرد. بنابراین و با توجه به منشأ چنین بناهای دومنظورهٔ مسجد–مقبره در منطقهٔ آناتولی که ریشه در قرن هشتم قمری دارد، به نظر می‌رسد معماران تبریزی بنای امیر ملکشاه از ایده مشابهی در ساخت این بنا بهره برده‌اند. در جدول شمارهٔ ۱ وجوه افتراق و اشتراک بنای امیر ملکشاه با دو بنای مسجد کبود تبریز و یشیل بورسه و چند مسجد مهم دیگر منطقه آناتولی که در تصویر ۱۹ نقشه آنها آمده، بیان شده است. هدف از ترسیم جدول شمارهٔ ۱، ملاحظهٔ تشابه در ویژگی‌های ساختاری و آرایه‌های معماری مساجد قرن هشتم و نهم قمری در ایران و آناتولی است. این ویژگی‌ها تأکیدی بر منشأ ساختاری یکسان بسیاری از مسجد–

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.7.4]

مقبره‌های قرون هفتم و هشتم قمری است که به عنوان الگوی مشترک بسیاری از مساجد ایران و آناتولی مطرح شده است.

جدول شمارهٔ ۱. وجوه افتراق و اشتراک بنای امیر ملکشاه مشهد با مسجد کبود تبریز و مساجد مشابه در استانبول، بورسه و آماسیه

وجوه افتراق	وجوه اشتراک
۱. مسجد کبود و یشیل هر دو در آب‌وهوایی کوهستانی و نسبتاً سرد ساخته شده‌اند که در پلان مساجد آنها فقدان میان‌سرا منطقی به نظر می‌رسد، اما بنای امیر ملکشاه در منطقه‌ای گرم واقع شده که محیط زیست در ایجاد نقشهٔ فاقد میان‌سرای آن اهمیتی نداشته است. مسجد یشیل قدیم‌تر از مسجد کبود و بنای امیر ملکشاه است. به نظر می‌رسد الگوی ایجاد چنین پلانی در قرن نهم از ترکیه و مربوط به دوره عثمانی بوده است. ۲. مصالح به کار رفته در مساجد آناتولی و مسجد کبود عموماً از سنگ و یا ترکیب آجر و سنگ بوده، اما مصالح مسجد امیر ملکشاه عموماً از آجر است. ۳. در نمای خارجی مساجد عثمانی تزئیناتی دیده نمی شود و بیشتر درون مساجد تزئینات دارد، اما نمای بیرونی بنای امیر ملکشاه و مسجد کبود تبریز با تزئینات کاشی‌کاری معرق همراه است.	۱. شباهت در نقشهٔ هر سه بنا که به شکل T طراحی شده‌اند. ۲. کاربری دوگانهٔ بناهای نامبرده به عنوان مسجد–مقبره. ۳. سازندهٔ مسجد کبود، یشیل بورسه و امیر ملکشاه یکی و احتمالاً اهل تبریز بوده است. ۴. وجود تالارهایی با پوشش دو گنبد و اتاق‌هایی در دو جهت گنبد مرکزی. ۵. وجود کاشی‌های شش‌وجهی (مسدس) در بنای امیر ملکشاه، مسجد کبود و مسجد یشیل بورسه. ۶. ورودی همهٔ مساجد Tشکل ایران و آناتولی از سمت شمال است. ۷. در بنای امیر ملکشاه، مسجد کبود تبریز و نمونه‌های آناتولی، کتیبهٔ حاوی نام بنا و تاریخ ساخت ذکر شده است. ۸. وجود کتیبه‌های حاوی اشعار فارسی در هر سه بنای کبود تبریز، امیر ملکشاه و یشیل بورسه.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.7.4]

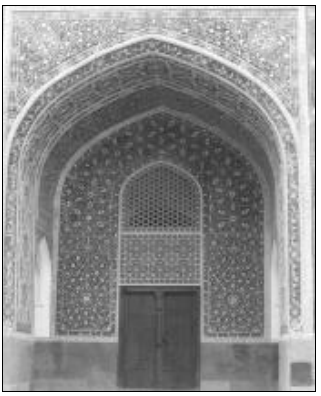
مسجد کبود در ۲۶ اکتبر ۱۴۶۵/ ۴ ربیع‌الاول ۸۷۰ (میرجعفری، ۱۳۷۵: ۲۷۶) و مسجد یشیل در سال ۱۴۱۲م/۸۱۴ق. ساخته شده است. مساجد Tشکل آناتولی دارای یک ورودی اصلی همانند مسجد کبود تبریز و مسجد یشیل بورسه از سمت شمال می‌باشند. در ترکیه مساجد سرپوشیده جنبهٔ بومی دارند و تعدادی از مساجد ترکیه طرح‌هایی را با دو گنبدخانه بر روی محور مرکزی و با عناصری در دو طرف آن ارائه می‌دهند. مسجد امیر ملکشاه همانند مسجد کبود تبریز و مساجد آناتولی، دارای دو گنبد بر روی محور بنا و اتاق‌هایی در دو جهت گنبد مرکزی است؛ بدین صورت که مقصوره با یک گنبدخانهٔ ثانوی در پشت گنبدخانهٔ اولی و در راستای قبله ایجاد شده است. این شیوه غیرعادی‌ترین اسلوب معماری تیموری است که در هیچ‌یک از مساجد بزرگ این دوره دیده نشده است. طرح یادشده در معماری بناهای دومنظورهٔ این دوره، نمای متقارنی را نشان می‌دهد که مانند یک واحد ساختمانی با دو مناره در دو طرف نما در نظر می‌آید.

در بنای امیر ملکشاه نام معمار شمس‌الدین محمد تبریزی بنّا ذکر شده و در ستون سمت راست محراب مسجد یشیل عبارت »عمل استادان تبریز» آمده که احتمالاً نشان از وجود یک معمار مشترک برای آنها دارد (پرهام، ۱۳۷۸: ۲۵). بدین ترتیب، بنای امیر ملکشاه از نظر نوع طرح و تزئین با مسجد کبود ارتباط بسیار نزدیک دارد. این دو بنا در ایران دو بنای منحصر به فرداند که مشابه آنها در قرن نهم قمری ساخته نشده است. اگرچه طاق‌های گنبدی در سردر ورودی و شبستان‌های گرداگرد گنبدخانه در مسجد کبود تبریز و بنای امیر ملکشاه مشابه هم‌اند (تصاویر ۲۰ و ۲۱)، اما با نمونهٔ مساجد Tشکل آناتولی از این نظر تفاوت دارند؛ زیرا در نمونه‌های آناتولی، سردر سنگی مقرنس‌کاری شده به کار رفته و فاقد تزئینات کاشی‌کاری است.

کتیبه‌های حاوی اشعار فارسی در سه بنای امیر ملکشاه، مسجد یشیل بورسه و مسجد کبود دیده می‌شود که اشعار این کتیبه‌ها به ترتیب در بنای امیر ملکشاه از سعدی و قاسم انوار، در مسجد یشیل بورسه از سعدی و در مسجد کبود از مولانا می‌باشد. در بنای امیر ملکشاه بر روی مناره‌ها کتیبه‌های حاوی اسماء الهی و مشتمل بر آیات قرآنی مشهود است که نظیر آن را در مسجد کبود تبریز نیز می‌توان دید.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.7.4]





تصویر ۲۰. طاق سردر ورودی بنای امیر ملکشاه (بختیاری، ۱۳۹۲)

تصویر ۲۱. طاق سردر ورودی مسجد کبود تبریز (بختیاری، ۱۳۹۲)

کاشی‌های مسدس در بنای امیر ملکشاه، تمام فضای زیر گنبدخانه و منطقهٔ ازاره را پوشانده است. در مسجد کبود تبریز این کاشی‌ها دیوار بیرونی و بخش اعظم دیوارهای داخلی را پوشانده است. استفاده از کاشی‌های شش‌ضلعی که روی آنها را زراندود کرده‌اند و آثار طلا بر روی آنها باقی مانده، در قسمت‌های مختلف بنای یشیل بورسه در ترکیه نیز استفاده شده است؛ از جمله در دهلیز داخلی که دیوارهای آن را با کاشی‌هایی به رنگ سبز سیر و اسلیمی‌های آبی و سفید و زرد پوشانده‌اند (گودوین، ۱۳۸۸: ۸۷). کاشی‌ها در دو بنای یشیل و ملکشاه به رنگ سبز و در مسجد کبود از دو رنگ سبز و آبی استفاده شده است. در عین حال، نقوش گیاهی و کتیبه بر روی کاشی‌های مسدس هر سه بنای مذکور، مشابه یکدیگر است و در هر سه بنا کاشی‌کاری معرق به‌طور گسترده‌ای استفاده شده است. البته در مسجد یشیل برخلاف مساجد کبود و ملکشاه، در داخل بنا به کار رفته است. با مقایسهٔ بنای امیر ملکشاه و مسجد کبود تبریز با نمونه‌های مشابه در آناتولی، به‌ویژه مسجد یشیل در بورسه، کاربری و ماهیت بنای امیر ملکشاه روشن می‌شود؛ چنان‌که علاوه بر یکی بودن معماری سه بنای یادشده، دلایل فراوانی از جمله دومنظوره بودن ساخت آنها، آرایه‌های وابسته به معماری، نقشهٔ ساخت و ویژگی‌های کالبدی معماری آنها، به روشنی نشان دهندهٔ کاربری یکسان این بناها به عنوان مسجد–مقبره است.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.7.4]

نتیجه‌گیری

مطالعهٔ ویژگی‌های معماری بنای امیر ملکشاه و مطالعه تطبیقی آن با نمونه‌های مشابه در ایران و آناتولی، کاربری و هدف ساخت آن را روشن می‌سازد. عناصر تزئینی بنای امیر ملکشاه به میزان قابل توجهی نمای بیرونی ساختمان، مناره‌ها و گریو را پوشانده است. این تزئینات شامل کاشی‌کاری هفت‌رنگ، معرّق، تلفیق آجر و کاشی و کتیبه‌های تزئینی به خط ثلث و کوفی است. کشف سرداب زیر بنا با قبور موجود در آن، فقدان محراب در بنا، عدم تطابق صحیح جهت بنا با قبلهَ، کراهت داشتن خواندن نماز در گورستان در بین مسلمین و وجود کتیبه‌هایی با مضامین فانی بودن دنیا، دلایلی بر مقبره بودن بنا می‌باشند. همچنین وجود گلدسته، مناره و کتیبه‌هایی با مضامین اذان و دعوت به نماز، بر مسجد بودن آن دلالت دارد. بدین ترتیب، دومنظوره بودن آن با عنوان مسجد-مقبره مشخص می‌شود. علاوه بر آن، با توجه به فراوانی چنین نقشه‌ای در سرزمین آناتولی قبل از نمونه‌های امیر ملکشاه و مسجد کبود تبریز، منشأ آنها را باید در میان مسجد-مقبره‌های دورهٔ عثمانی در آناتولی جست‌وجو کرد. نتایج مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که بنای امیر ملکشاه مشهد با مسجد کبود تبریز و بناهای مشابه در ترکیه، از جمله مسجد یشیل بورسه، مسجد بایزید پاشا در آماسیه، مسجد محمدپاشا در استانبول، مسجد ایلدریم بایزید و مسجد خداوندگار بورسه، شباهت ساختاری و کارکردی به عنوان مسجد-مقبره دارد و با توجه به ذکر معمار تبریزی در هر سه بنا، سازندهٔ مسجد کبود تبریز، مسجد یشیل بورسه و بنای امیر ملکشاه مشهد یکی بوده است. نقشهٔ متداول این بناها متشکل از دو گنبدخانه بر روی محور مرکزی با اتاق‌هایی در دو طرف است و در آنها کاربرد گستردهٔ کاشی معرق و شش‌ضلعی با نقوش گیاهی و کتیبه مشهود است.

منابع و مآخذ

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۶۸)، *مراة البلدان*، با تصحیحات، حواشی و فهارس، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، ج۴، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ..... (۱۳۶۳)، *مطلع الشمس؛ تاریخ ارض اقدس و مشهد مقدس در تاریخ و جغرافیای مشروح بلاد و اماکن خراسان*، با مقدمهٔ تیمور برهان لیمودهی، ج۱، ۲، تهران: یساولی.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.7.4]

- اوکین، برنارد (۱۳۸۶)، *معماری تیموری در خراسان*، ترجمهٔ علی آخشینی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- بختیاری، سپیده (۱۳۹۲)، «مطالعه و بررسی بنای امیر ملکشاه مشهد با استناد به منابع تاریخی، شواهد باستان‌شناختی و ویژگی‌های معماری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- بلر، شیلا و جاناتان بلوم (۱۳۸۶)، *هنر و معماری اسلامی(۲)*، ترجمهٔ یعقوب آژند، تهران: سمت، چ۲.
- پرهام، سیروس (۱۳۷۸)، «کاشی‌کاری ایران در آسیای صغیر و امپراتوری عثمانی»، *نشر دانش*، س۱۶، ش۳، صص۲۵-۲۸.
- پوپ، آرتور اپهام (۱۳۷۳)، *معماری ایران*، ترجمهٔ غلامحسین صدری افشار، تهران: انتشارات فرهنگان، چ۳.
- پورمیزاب، منصور حسین (۱۳۹۱)، *معماری و تزئین در مسجد کبود*، تبریز: انتشارات ارک.
- حاجی قاسمی، کامبیز، مریم‌دخت موسوی روضاتی و حسین سلطان‌زاده (۱۳۸۳)، *گنجنامه: فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران*، ج۶، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.
- خانیکوف، نیکولای ولادیمیروویچ (۱۳۷۵)، *سفرنامه خانیکوف (گزارش سفر به بخش جنوبی آسیای مرکزی)*، ترجمهٔ اقدس یغمایی و ابوالقاسم بیگناه، با مقدمه و تعلیقات اقدس یغمایی، مشهد: مؤسسهٔ چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- خجسته مبشری، محمدحسین (۱۳۵۳)، *تاریخ مشهد*، مشهد: [بی‌نا].
- خراسانی، حاج ملا هاشم (۱۳۴۷)، *منتخب التواریخ*، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- خواندمیر، غیاث‌الدین‌بن همام‌الدین الحسینی (۱۳۵۳)، *تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر*، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، ج۴، تهران: کتابفروشی خیام، چ۲.
- سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳۷۵)، *مطلع سعدین و مجمع بحرین*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، ج۴، تهران: مؤسسهٔ پژوهش و مطالعات فرهنگی، نشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
- سیدی، مهدی (۱۳۷۶)، «مسجد شاه مقبره است نه مسجد»، *فصلنامه خراسان‌پژوهی*، س۱، ش۱، صص۱۲۳ـ۱۲۴.
- سیستانی، ملک‌شاه حسین‌بن ملک غیاث‌الدین محمدبن شاه محمود (۱۳۸۳)، *احیاء الملوک*، به اهتمام منوچهر ستوده، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ۲.
- شریعتی، علی (۱۳۶۳)، *راهنمای خراسان*، خراسان: انتشارات الفبا، چ۲.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.7.4]

- فقیه‌نیا، ابوالقاسم (۱۳۵۹)، *پروژه مرمت مسجد شاه (مقبرة غیاث‌الدین ملکشاه)، مشهد، (پروژه درس مرمت ابنیه)*، به راهنمایی احمد اصغریان جدی، ش ۱۵۲، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی، مرکز اسناد و تحقیقات.
- کبیری، عبدالرحیم (۱۳۲۶)، «آثار تاریخی و باستانی مشهد»، *نشریه فرهنگ خراسان*، س ۱، ش ۲ و ۳، صص۴۴-۴۹.
- گودوین، گادفری (۱۳۸۸)، *تاریخ معماری عثمانی*، ترجمهٔ اردشیر اشراقی، تهران: نشر آثار هنری.
- مجلسی، محمدتقی‌بن مقصودعلی (۱۴۱۴ق)، *لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه*، ج۷، قم: مؤسسهٔ اسماعیلیان.
- مشکوتی، نصرت‌الله (۱۳۴۹)، *فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران*، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- مقری، علی‌اصغر (۱۳۵۹)، *بناهای تاریخی خراسان*، خراسان: انتشارات اداره کل فرهنگ خراسان.
- ملازاده، کاظم (۱۳۷۸)، *دایرة المعارف بناهای تاریخی در دورهٔ اسلامی (مساجد)*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی و نشر سوره.
- موسوی روضاتی، مریم دخت، هدیه نوربخش، محمد رسولی، محمد دیده‌بان، سید حسین موسوی، محمد داورفرا، محمدصادق اسدی، مهدی صابونیان یزد و آرش شهنواز (۱۳۸۹)، «مقبره امیر غیاث‌الدین ملکشاه»، *فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران، دفتر سیزدهم، امامزاده‌ها و مقابر*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، مرکز اسناد و تحقیقات دانشکده معماری و شهرسازی.
- موسوی، فوطوس (۱۳۷۸)، «پدران معمار ما در سرزمین‌های دیگر نیز درخشیده‌اند»، *مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران*، ج۲، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- مولوی، عبدالحمید (۱۳۴۷)، «مسجد شاه یا مقبره امیر غیاث‌الدین ملکشاه»، *نشریهٔ هنر و مردم*، ش۷۴-۷۵، صص۷۵-۹۲.
- مهرپویا، حسین (۱۳۷۱)، «بررسی کتیبه‌های بناهای تیموری در خراسان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- میرجعفری، حسین (۱۳۷۵)، *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان*، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- هیلن‌برند، روبرت (۱۳۹۱)، *معماری اسلامی: شکل، کارکرد و معنی*، ترجمهٔ باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران: روزبه.
- ویلبر، دونالد و لیزا گلمبک (۱۳۷۴)، *معماری تیموری در ایران و توران*، ترجمهٔ کرامت‌الله افسر و محمدیوسف کیانی، تهران: سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری کشور.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.7.4]

منابع لاتین:

- Golombek, Lisa and Donald N. Wilber (1988), "The Timurid Architecture of Iran and Turan", Vol. I-II, Princeton: Princeton University Press.
- Pope, Arthur Upham (1977), "A Survey of Persian Art from Prehistoric Times to the Present", Vol.III (Text Architecture), Soroush, Press, Tehran.

List of sources with English handwriting

- Bakhtiari, S. (2013), "Study and Investigation on Amir Malek Shah Mashhad building According To historical Sources, Archaeological Evidence and Architectural Features". The Disseration of M.Sc. in Archeology, the University of Sistan and Baluchestan.
- Blair, S., Bloom, J. (2007), *Islamic Art and Architecture (2)*, Translated: Ajand, Y., 2nd Edition. Tehran: SAMT Press.
- Etemad Al-Saltaneh, M. (1989), *Merah Al-Boldan*, with Corrections and Marginal Writing and References by Navaei, A., Mohaddes, M., Vol 4. Tehran University Press.
- Etemad Al-Saltaneh, M. (1984), *Matla Al-Shams; History of the Sacred Land and Holly Mashhad* in *Detailed History and Geography of Khorasan's Territories and Places*. Introduction by Borhan, Limoudehi. T., Vol 1 and 2. Tehran: Yasaveli Press.
- Fakihnia, A. (1980), *Restoration Project of Shah Mosque (Ghias Al-din Malek Shah's Tomb), Mashhad (Project of Building Restoration Course)*. Guided by Asgharian J., A., No. 152. Tehran: Shahid Beheshti University, Faculty of Architecture and Urbanism, Center of Documents and Research.
- Golombek, Lisa and Donald N. Wilber (1988), "The Timurid Architecture of Iran and Turan", Vol. I-II, Princeton: Princeton University Press.
- Goodwin, G. (2010, *History of Ottoman Architecture*. Translated by Eshraghi, A. Tehran: Asar-e Honari Press.
- Haji Ghasemi, K., Mousavi, R. M., Soltanzadeh, H. (2004), *Ganjnameh: Culture of Islamic Architecture of Iran*. Vol 6. Tehran: Documentation and Management Center of the Faculty of Architecture and Urban Planning of Shahid Beheshti University.
- Hillenbrand, R. (2012), *Islamic Architecture: Form, Function and Meaning*.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.7.4]

Translated by Baqir Ayatollah zadeh Shirazi. Tehran: Rozaneh.

- Hussainpour mizab, M. (2012), *Architecture and Decoration in Kaboud Mosque*, Tabriz: Ark Publications.
- Kabiri, A. (1957), "Article of Mashhad Archeological Sites". *Farhang-e Khorasan Journal*, No. 2 and 3, pp. 44-49.
- Khandmir, G. H. (1974), *History of Habib al-Siyar*. Supervised by Dabirsiaghi, M., Vol 4, 2nd edition, Tehran: Khayyam Bookstore.
- Khanikuf, N. V. (1996), *Khanikuf's Travelogue (Reports of Travel to the Southern part of Central Asia)*. Translated: Aghdas Yaghmaei and Abu al-Qasim Bigonah. Annexes by Aghdas Yaghmaei. Mashhad: Astan-e Qods-e Razavi Press.
- Khojaste, Mobasheri. M. (1974), *History of Mashhad*. Mashhad: Khorasan Publications.
- Khorasani, Haj Mullah Hashem. (1968), *Muntakhab-al-Tawarikh*. Tehran: Islamic Bookstore.
- Majlisi, M. (1993), *Lavameh Sahibqarani known as Sharh Faqih*, vol. 7. Qom: Ismaili Foundation.
- Mehrpouya, H. (1992), "Investigation of Inscription of Timurid Buildings in Khorasan", M.A Thesis. Tarbiat Modares University.
- Meshkouti, N. (1970), *List of historical monuments and ancient sites of Iran*, Tehran: Ministry of Culture and Arts.
- Mirjaafari, H. (1996), *History of Political, Social, Economic, and Cultural Developments during Timurid and Turkmen Periods*. 1st Edition. Isfahan: Isfahan University Press.
- Mollazadeh, K. (1999), *Encyclopedia of Historical Monuments in the Islamic Period (Mosques)*. Tehran: Research Center for Islamic Art and Culture and Soureh Press.
- Moulavi, A. (1968), "Shah Mosque or Amir Ghias Al-Din Malek Shah's Tomb", *Journal of Art and People*, No. 74-75, pp. 75-92.
- Mousavi, R. M., Nourbakhsh, H., Rasouli, M., Didehban, M., Mousavi, H., Davarfara, M., Asadi, M. S., Sabounian, Y. M., and Shahnavaz, A. (2010), "Amir Ghias Al-Din Malek Shah's Tomb", *Dictionary of the Iranian Islamic Architectural Sites, 13th Booklet, Holy Shrines and Tombs*, 3rd section, Tehran: Shahid Beheshti University, Document and Research Center of the Faculty of

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.7.4]

Architecture and Urbanism.

- Mousavi, F. (1999), "Our architect fathers have shone in other lands as well", *Proceedings of the Congress of the History of Architecture and Urban Planning of Iran*, Vol. 2, Tehran: Cultural Heritage Organization (Research Institute).
- Muqari, A. A. (1980), *Historical monuments of Khorasan*, Khorasan: Publications of General Department of Khorasan Culture.
- O'Kane, B. (2007), *Timurid Architecture in Khorasan*. Translated: Ali Akhshini. Mashhad: Islamic Research Foundation.
- Parham, S. (1999), "Iranian Tile Work in Asia Minor and the Ottoman Emperor". *Nashr-e Danesh Journal*, 16th year, No. 3. Pp. 25-28.
- Pope, A. U. (1994), *Iranian Architecture*. Translated: Sadri Afshar, Q., 3rd Edition. Tehran: Farhangan Press.
- Pope, A. U. (1977), "A Survey of Persian Art from Prehistoric Times to the Present", Vol. III (Text Architecture), Tehran: Soroush, Press.
- Samarkandi, A. (1986), *Matlae Saadi VA Majmae Bahrain*. Compiled by Navai, A, Vol 4. Tehran: Institute for Cultural Research and Studies, Digital Publishing: Ghaemieh Computer Research Center of Isfahan.
- Seyedi, M. (1997), "Shah Mosque is a Tomb not a Mosque", *Khorasan Research Quarterly*, 1st year, No. 1, pp. 123-124.
- Shariati, A. (1984), *Khorasan Guide*, Khorasan: Alefba Press.
- Sistani, M. Sh. H. (2004), *Ehya al-muluk*, trying to Manouchehr Sotoudeh (Second Edition). Tehran: Scientific and cultural publishing company.
- Wilber, D., Golombek, L. (1995), *Timurid Architecture in Iran and Turan*, translated by Keramatullah Afsar and Mohammad Yousef Kiani. Tehran: Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization of the country.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.7.4]